



## نقش هنر کاشی کاری در تجلی معماری دوره صفویه

سیامک علیزاده \*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

هنر کاشی کاری در ایران از دیر باز، یعنی از دوره تمدن عیلام سابقه داشته است. بعد از اسلام و به خصوص بعد از جمله مغول، هنر کاشی کاری برای تزئین به کار گرفته شد. اوج استفاده از هنر کاشی کاری در معماری از جنبه های مختلف تکنیکی و سبکی در دوره صفویه قابل توجه است. هنرمندان دوره صفویه از تجارب گذشتگان خود مخصوصاً در دوره سلجوقی و تیموری استفاده کرده، با نوآوری هایی که به آن عمل آوردند. توانستند شاخص هایی را در این زمینه ابداع کنند که باعث ایجاد تمایز هنر کاشی کاری این دوره با دوران قبل گردید.

### واژگان کلیدی

معرق، کاشی، معماری، کاشی هفت رنگ، صفویه.

## مقدمه

«کاشانی» از آن شهر گرفته شده است» (دیماند، ۱۳۶۵). بنابراین کاشان را باید موطن اصلی کاشی‌سازی در ایران به شمار آورد.

## هنر کاشی‌کاری ایران قبل از اسلام

با وجود این‌که از کاشی‌کاری دوران هخامنشی آثار زیادی در دست نیست، ولی هنر کاشی‌کاری در آن زمان رواج داشته است. سربازان جاوید داریوش که اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شوند، نماینده عظمت هنر کاشی‌کاری ایران در عهد هخامنشی است که بر روی کاشی‌های چهار گوش و به صورت برجسته ساخته شده است. به طوری که در کاخ سلطنتی شوش دیده می‌شود، دیوارهای آجری را با طبقه‌ای از لعاب می‌پوشاندند و این اولین قدمی است که در ایران برای تزئین دیوارها برداشته شده و در دوره اسلامی مبدل به کاشی و معرق‌کاری شده است. در دوران ساسانیان نیز آثار کاشی‌کاری مشهود است. در شهر بیشاپور در نزدیکی کازرون، موزاییک‌های

به طور کلی در مورد هنر کاشی‌کاری باید به دو نکته اصلی در مطالعه سیر تکاملی این هنر در طی قرون و اعصار توجه داشت. هر چند هنر کاشی‌کاری هنر ابداعی صفویه به شمار نمی‌رود، اما در دوره این سلسله با وجود اقتباس از هنر پیشینیان، صرفاً به تقلید اکتفا نشد و گسترش و تجلی هر چه بیش‌تر این هنر و نوآوری‌های ارزنده، در مطالعه کاشی‌کاری این دوره بسیار قابل توجه است. بنابراین برای بررسی نقش تجلی این هنر در معماری صفویه، مطالعه و کندوکاو در پیدایش این هنر و تاریخچه آن در ایران ضرورت دارد. اگر چه در قرون اولیه هجری، اثری از کاشی نمی‌توان یافت ولی جای شک نیست که ایران وطن کاشی‌های لعاب دار است. از قرن پنجم هجری ایرانیان متوجه این صنعت گردیده، به زودی گوی سبقت را از سایرین ربودند. «در مورد وجه تسمیه کلمه کاشی اصولاً بر این عقیده‌اند که به واسطه شهرت بیش از حد کاشان در صنعت سفال‌سازی، کلمه «کاشی» یا



سر در مقبره‌هارون ولایت، اصفهان



فراوان یافت. کمک اصلی تیموریان در زمینه تزیینات معماری، توسعه هنر در معرق‌کاری بود که سرانجام به تکامل هنر استالکتیت یا گلفه‌سنگ منتهی شد که دنیای غرب آن را به عنوان مظهر تزئینی اسلامی می‌شناسد. اما مهم‌تر از این، تکامل بخشیدن به هنر سفال موزائیک یا کاشی معرق است که تا قرن یازدهم میلادی پیشرفت‌هایی کرده بود، ولی استفاده بهتر و تولید مرغوب‌تر آن در دوران تیموری پدیدار گشت. صنعت سفال موزائیک از دوره مغول در ایران رایج شد. در دوران تیموری، نه تنها سفال‌سازان ایرانی به ساختن کاشی‌های معرق ادامه دادند، بلکه غالباً سطوح بزرگ‌تری را با آنان می‌پوشاندند. به طور کلی در کاشی‌کاری دوره تیموری، برخلاف ایلخانیان، مینا را بر روی قطعات مجزای کاشی که جزء بنا نیست استعمال و بعد آن را روی دیوار الصاق کرده‌اند. این قبیل کاشی‌کاری اگر چه بی نهایت بر زیبایی بنا می‌افزاید، ولی به علت ظرافت فوق‌العاده، تاب مقاومت در مقابل حوادث را ندارد؛ چنان‌که بسیاری از کاشی‌های نهم و دهم هجری از میان رفته‌اند. «بهترین نمونه کاشی‌کاری دوره تیموری را می‌توان در مسجد کبود تبریز مشاهده نمود.» (نفیسی، ۱۳۴۵) به نظر می‌رسد که



گریوگنبد مسجد شیخ لطف الله، اصفهان

زیبایی پیدا شده که کف ایوان‌های کاخ شاپور اول را تزیین می‌کرده است. در زمان شاپور اول، هنر رومی در ایران تاثیر زیادی به یادگار گذاشت و سبک‌های جدیدی به وجود آمد که یکی از آن‌ها همین هنر موزائیک‌سازی یا معرق‌کاری است. «از نظر سبک کار و موضوع تصاویر، این موزائیک‌ها کاملاً ایرانی است و این تنها منطقه ایران است که در آن موزائیک‌ها با معرق‌کاری‌های متشکل از سنگ ریزه‌های رنگین موجود می‌باشد» (بهنام، ۱۳۴۲).

### هنر کاشی‌کاری در ایران دوره اسلامی

بعد از اسلام و به خصوص بعد از حمله مغول، هنر کاشی‌کاری برای تزیین مساجد به کار گرفته شد. در قرون اولیه هجری، استعمال آجرهای مینایی یا کاشی درابنیه مرسوم نبود، اما از قرن پنجم هجری یعنی از دوران سلجوقی استفاده از کاشی در بناها معمول شد و می‌توان گفت ابداعاتی که در ابنیه دینی ایرانیان در دوره سلجوقی به عمل آمد، تأثیر تزیینی خود را بیش از همه در نحوه پوشاندن سطوح با کاشی بر جای گذاشت. نکته مهم در کاشی‌کاری دوران سلجوقی، استفاده از کاشی‌های الوان و معرق‌کاری است و این امر از مراحل جدید هنر کاشی‌کاری است که دو قرن ششم و هفتم هجری در ساختمان‌های ایرانی دیده می‌شود. نوعی کاشی که به آن زرین فام می‌گفته‌اند در دوران سلجوقی زیاد تهیه می‌شده است. پس از حمله مغول، صنایع ایران و به خصوص کاشی‌کاری وارد مرحله‌ای جدیدی شد. یکی از ممیزات روشن دوره مغولی این است که مملو از روش‌های فنی چینی است. هلاکو خان، جمعی از صنعتگران چینی را در ایران مقیم ساخت و از تبادل افکار این صنعتگران با هنرمندان ایرانی، کاشی‌کاری پیشرفت کرد. در دوران ایلخانیان مغول، استفاده از کاشی‌های صدف‌دار یا مینایی در ابنیه معمول شد. مینا را در زمان ایلخانیان بیشتر در کناره کاشی‌ها استعمال می‌کرده‌اند و این کاشی‌ها جزء بنامحسوب می‌شده است. ساختن محراب‌هایی از کاشی مینایی از خصوصیات این دوره است. گذشته از این، در دوره مغول از کاشی‌های ستاره‌ای شکل که در فواصل آن‌ها لوحه‌های صلیبی شکلی به کار می‌رفته نیز استفاده شده است. از کاخ زیبایی که از سلاطین ایلخانی در ناحیه تخت سلیمان آذربایجان باقی مانده انواع مختلف کاشی‌های زرین فام، طلایی، ساده با لعاب یکرنگ لاجوردی و سفید و فیروزه‌ای به دست آمده است. کاشی‌های طلایی، نوعی از کاشی هستند که تمام سطح آن را با طلایی خالص می‌پوشانده‌اند.

### هنر کاشی‌کاری در دوران تیموری

در دوران تیموری، هنر کاشی‌کاری توسعه و تکامل

ایران به وجود آمده، بر اثر توجه این سلسله رونق بسزایی یافته است و بر سایر روش‌های ماقبل خود، مخصوصاً روش مغولی ایرانی امتیاز بزرگی دارد، زیرا در این دوره، ذوق و قریحه ایرانی، روش‌ها و سبک‌هایی را که ایرانیان در دوره مغول و تیموری از خاور دور و به خصوص چین اقتباس کرده بودند در خود حل کرد. بنابر این تفاوتی بین روش ایرانی عصر صفوی و روش‌های چینی که سرچشمه آن محسوب می‌شوند، حاصل شده است. گذشته از این، هنرمندان و صنعتگران در این دوره توجه خاصی به تحقیق و تأمل در مظاهر طبیعت و شئون زندگی روزانه بشر کرده و این ذوق را در اشکال و نقوشی که در مصنوعات خود مانند کاشی، قالی و نقاشی به کار برده‌اند، ظاهر ساخته‌اند.

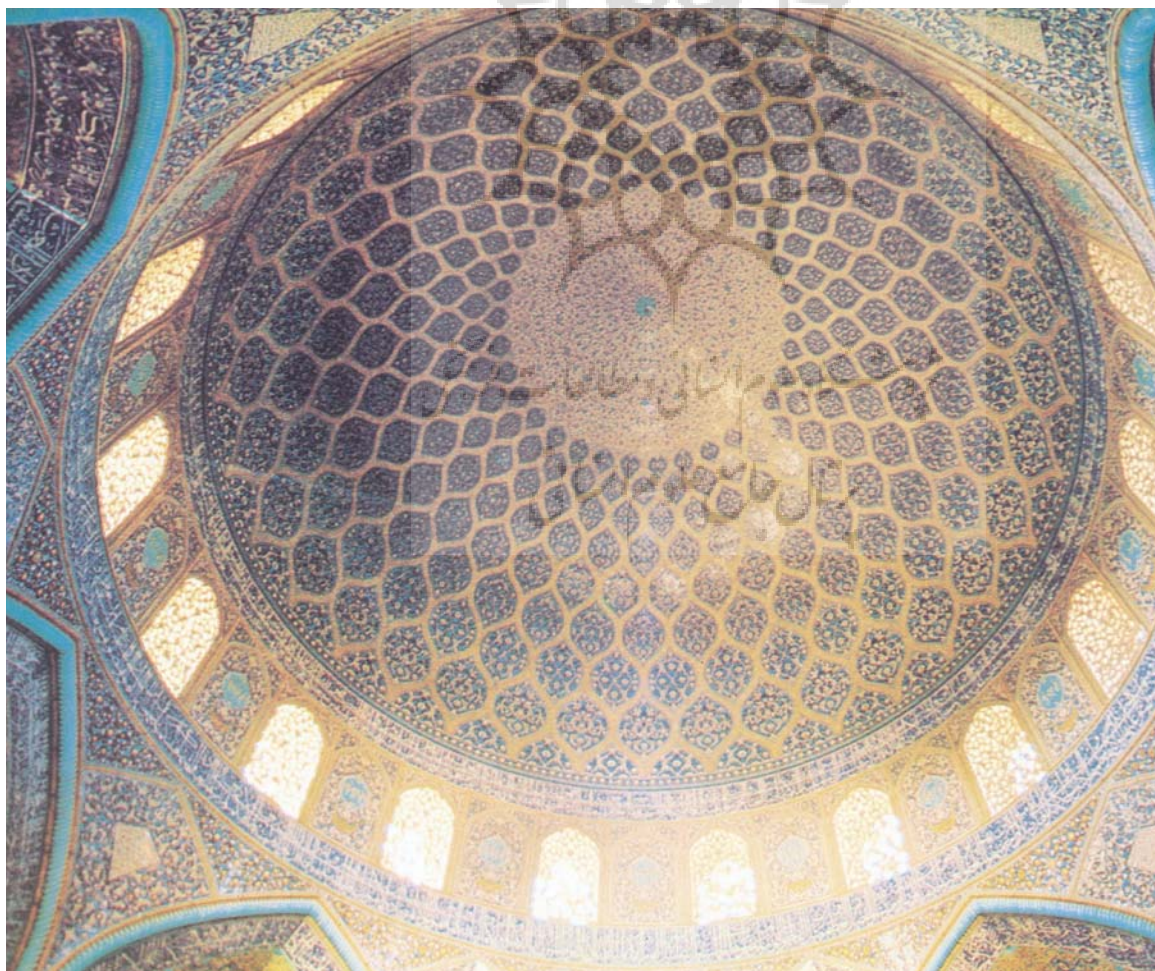
#### کانون‌های هنر کاشی‌کاری

در این دوره، مراکز و کانون‌های فنی و صنعتی در ایران زیاد شد. در ابتدای تأسیس سلسله صفوی، تبریز

در مورد استفاده از کاشی‌های مینایی در بناهای دوره تیموری اختلاف عقیده وجود داشته باشد. در کتاب صنایع ایرانی بعد از اسلام چنین گفته شده که در دوره تیموریان استعمال کاشی‌های مینایی از میان رفته است و به جای آن دیوارها را با آجرهایی که دارای رنگ‌های گوناگون بود زینت داده‌اند. ولی به نظر می‌رسد که روایت اول یعنی استفاده از کاشی‌های مینایی در دوران تیموری موثق‌تر باشد.

#### هنر کاشی‌کاری در دوره صفویه

در دوران حکومت صفویه به علت توجه خاص سلاطین این سلسله به هنر و صنعت و تشویق صنعتگران؛ تحولات عظیمی در روش‌های قبلی به وجود آمد. خصوصاً در این دوره سبک‌های مغولی که مأخوذ از روش چینی بودند با ذوق و سلیقه ایرانی آمیخته شد و سبک جدیدی به وجود آمد که شباهتی به سبک چینی نداشت. به طور کلی چنین می‌توان نتیجه گرفت که روش و سبک فنی و صنعتی که در دوره سلسله صفوی در

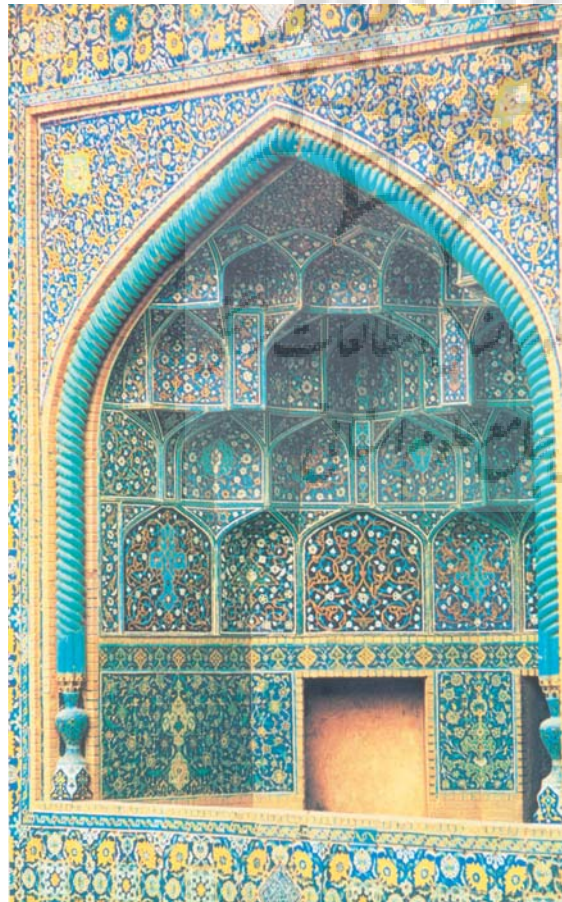


سقف گنبد مسجد شیخ لطف الله، اصفهان



آبی برزمینه سفید هستند. این کاشی‌ها در نوع خود بی نظیر و در سایرانیه اصفهان کم‌تر دیده می‌شوند. از آثار باقیمانده دیگر دوران قبل از شاه عباس اول در اصفهان، می‌توان مسجد علی را نام برد که تزئینات کاشی‌کاری آن مربوط به دوران شاه تهماسب اول است. مسجد قطیبه دیگر از آثار دوران شاه تهماسب اول است که اطراف صحن آن با کاشی‌های معقلی تزیین شده است. کاشی‌کاری‌های مسجد ذوالفقار، مسجد درب جو باره یا مسجد پیرپینه دوز، بقعه شاه زید و کتیبه بقعه خواجه شاه حسن نیز مربوط به دوران شاه تهماسب اول هستند.

در دوران شاه عباس کبیر، کاشی‌کاری صفویه وارد مرحله‌ای جدید شد و به اوج خود رسید. در این باره می‌توان گفت که حقیقتاً هنر و معماری صفویه از دوران سلطنت شاه عباس کبیر آغاز می‌شود. او میراث تیموری را با عقاید جدید آمیخت و از این آمیختگی، هنر جدیدی به وجود آورد. در این باره پروفیسور پوپ چنین می‌گوید: «شاه عباس ایده‌های هنری ایرانی را زنده کرد و آن‌ها را در قالبی نو برای نشان دادن عظمت و شکوه معماری



یکی از درگاه‌های مقرنس کاری شده و کاشی پوش ایوان مرتبط به مسجد امام (شاه سابق)، اصفهان

پایتخت بود و به همین جهت، مرکزی بود که خطاطان و مذهب کاران و نقاشان و صحافان در آن به فعالیت مشغول شدند و این فنون را پیشرفت بخشیدند. بدیهی بود که فعالیت فنی آنان در این زمینه موجب پیشرفت‌هایی در فنون و صنایع دیگر می‌گردید و به خصوص در معرق‌کاری و رنگ آمیزی کاشی‌هایی که دیواره‌ها و کتیبه‌های ابنیه را زینت می‌داد تأثیر فراوانی داشت. سپس پایتخت به قزوین و پس از آن در اواخر قرن دهم هجری قمری مطابق با قرن شانزدهم میلادی توسط شاه عباس به اصفهان منتقل گردید. در قرن یازدهم هجری، اصفهان مرکز اصلی صنایع ایران شد.

هنر کاشی‌کاری اصفهان در دوره صفوی، هنر غالب و برتر به شمار می‌رفته و این برتری به خوبی در مقبره محمد ماهرخ در نیشابور دیده می‌شود. اگرچه کاشی‌های معرق این مقبره چندان عالی نیستند، ولی تأثیر هنر اصفهان را به خوبی نشان می‌دهند. این کاشی‌ها احتمالاً در کوره‌های کاشی‌سازی مشهد ساخته شده‌اند. «مشهد یکی از مراکز فعال کاشی‌سازی این دوران بوده و اکثر کاشی‌های اماکن مذهبی خراسان، ساخت کارگاه‌های کاشی‌سازی مشهد می‌باشند» (زکی، ۱۳۲۰). «به طور کلی کاشان، ری و سلطان آباد از مراکز مهم تولید کاشی در ایران بوده‌اند و در قرن نهم و دهم هجری قمری مراکز مهم معرق‌سازی را اصفهان، یزد، کاشان، هرات، سمرقند و تبریز تشکیل می‌داده‌اند» (زکی، ۱۳۲۰).

#### دوره‌های مختلف کاشی‌کاری در زمان صفویه

از نظر هنر کاشی‌کاری و تجلی آن در معماری صفویه می‌توان دوره صفویه را به سه دوره مجزا تقسیم کرد: دوران قبل از شاه عباس اول، دوران شاه عباس کبیر و دوران بعد از شاه عباس. تا زمان سلطنت شاه عباس اول (۹۹۶ هجری قمری مطابق با ۱۶۲۸-۱۵۸۷ میلادی) طرح‌ها و تزئینات هنری صفوی، اساساً ادامه طرح‌های تیموری بود و کاشی‌کاری معرق بیش‌تر از سایر انواع کاشی‌کاری مورد استفاده واقع می‌شد. از این دوران، آثار کاشی‌کاری چندان مهمی وجود ندارد و شاید یکی از علل آن را بتوان تازه به قدرت رسیدن دولت صفوی و جنگ‌های مداوم آن با دولت عثمانی به شمار آورد و بهترین مثال برای این مطلب این است که در تبریز که در سال‌های اولیه به قدرت رسیدن دولت صفوی پایتخت بوده هیچ‌گونه آثار معماری و کاشی‌کاری وجود ندارد.

از کاشی‌کاری‌های باقیمانده دوران قبل از شاه عباس اول می‌توان از عمارت‌هارون ولایت اصفهان یاد کرد که بقعه و سردر آن از کاشی‌کاری‌های دوران شاه اسماعیل اول است. بین دراصلی و درمقبره، رواقی است که تزئینات ازاره‌های آن از کاشی‌های چهار ضلعی کوچک از نوع سنگینه<sup>۱</sup> است که دارای نقوش گل و بوته به رنگ

بوده، منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمی‌تواند داشته باشد» (پوپ، ۱۳۵۳). زیبایی کاشی‌کاری‌های این مسجد، اعم از کاشی‌های معرق و یا کاشی‌های هفت رنگ در نوع خود بی‌نظیر است و اصولاً شروع تزئین دیوارهای صحن با کاشی هفت رنگ و تبدیل آن به کاشی‌های معرق، تنوعی دلپذیر به شمار می‌رود.

یکی دیگر از آثار با شکوه دوران شاه عباس در اصفهان، مسجد شاه است. این مسجد که ساخت آن در سال ۱۰۲۰ هجری قمری آغاز شد با کاشی‌های هفت رنگ پوشیده شده است. به طور کلی می‌توان گفت که در ورودی و محراب مسجد شاه کاملاً با کاشی‌های هفت رنگ تزئین شده و فقط خطوط کوفی این قسمت‌ها کاشی معرق است. این مسجد دارای دو شبستان مسقف زمستانی است که فقط قسمت غربی آن با کاشی‌های هفت رنگ پوشیده شده و از رنگ زرد در آن‌ها بسیار استفاده شده است. محراب این شبستان، زیباترین محراب‌هایی است که در مساجد اصفهان با کاشی‌های هفت رنگ تزئین شده است. گنبد عظیم مسجد با تزئینات جالب کاشی‌کاری پوشیده شده و شاید تنها مسجدی است که در آن از کاشی پز و کاشی کار نیز نامی برده شده است. در طرفین محراب این گنبد در دو لوحه جدید به خط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی نوشته شده: «عمل عبدالرزاق کاشی پز کرمانی». در جنوب غربی این مسجد، مدرسه‌ای به نام سلیمانیه وجود دارد که در دو لوحه کوچک بر دو جانب شرقی و غربی سردر آن به خط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی نام استاد کاشی‌کار سر در آمده است: «استاد قاسم بنا اصفهانی».

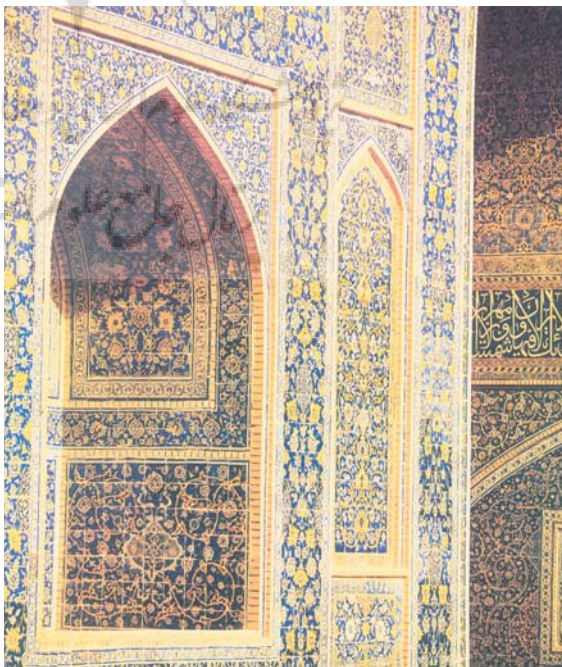
در دوران جانشینان شاه عباس، کم و بیش اسلوب کاشی‌کاری دوران شاه عباس مورد استفاده واقع شد. در اوایل سده هفدهم میلادی و در حدود زمان شاه عباس دوم، کاشی‌کاران به ایجاد نقش‌های بزرگ‌تر بر مبنای نقاشی‌های زمان دست بردند. قاعده عمومی حفظ تعادل رنگ و ملاحظه آن‌ها بر روی یکدیگر که در هر نقش‌اندازی رعایت می‌شد، در کاشی‌کاری‌های این زمان نیز دیده می‌شود. آثار باقیمانده از این دوران در اصفهان که دارای کاشی‌کاری‌های زیباییند فراوان هستند و از همه آنان مهم‌تر مدرسه مادر شاه یا مدرسه چهارباغ را می‌توان نام برد که در دوران شاه سلطان حسین بنا شده است. اصولاً در زمان شاه سلطان حسین مجدداً سبک کاشی‌کاری معرق متداول گردید که یکی از بهترین نمونه‌های آن طاق هشتی مدرسه مادر شاه در اصفهان است. البته در این مسجد از کاشی‌های هفت رنگ نیز استفاده شده و به طور مثال می‌توان از در ورودی آن یاد کرد که هر دو اسلوب معرق و هفت رنگ در آن به کار رفته است. از این گذشته چون مدرسه مادر شاه، آخرین بنای با شکوه دوران صفوی است که در حقیقت نمایشگر آخرین دوران با شکوه معماری و طراحی و کاشی‌کاری ایران است، می‌توان آخرین

ایران به کار گرفت» (ضیاء پور، ۱۳۵۳). ابنیه مهم مذهبی کاملاً چه از خارج و چه از داخل با کاشی‌های رنگارنگ کاشی‌کاری می‌شدند.

کاشی‌های معرق با جنس بسیار عالی تهیه می‌شد، اما از سال ۱۰۲۵ هـ ۱۶۱۶ م. به بعد، بیش‌تر از کاشی‌های هفت رنگ استفاده گردید. این کاشی‌ها اگرچه از نظر درخشندگی مانند کاشی‌های معرق نبودند ولی بسیار سریع‌تر و ارزان‌تر تهیه می‌شدند.

از مهم‌ترین ابنیه دوران شاه عباس اول در اصفهان می‌توان از مسجد شیخ لطف‌ا... و مسجد، شاه نام برد. مسجد شیخ لطف‌ا... به فرمان شاه عباس و مخصوص خاندان سلطنتی ساخته شده است. این مسجد صحن و مناره ندارد و گنبد آن شاید زیباترین گنبد مساجد ایران باشد. کاشی‌کاری زیر گنبد آن یک پارچه است و با خطوط ملایم اسلیمی تزئین گردیده و به طور کلی گنبد مسجد شیخ لطف ا... نمونه کاملی از جلوه و شکوه رنگ و طرح، سطح صاف و شفافیت است. کاشی‌کاری‌های این مسجد از نوع معرق است و از نظر جنس از بهترین کاشی‌های معرق قرون ۱۶، ۱۷ و ۱۸ میلادی به شمار می‌روند.

دیوارهای داخلی آن دارای دقیق‌ترین ریزه‌کاری‌ها در کاشی‌کاری معرق است. محراب کاشی‌کاری این مسجد با کاشی‌های معرق بی‌نظیر تزئین شده است. «مسجد شیخ لطف ا... توافقی است بین یک دنیا شور و هیجان و یک سکوت باشکوه که نماینده ذوق سرشار زیبا شناسی



یکی از طاق‌های فوقانی گرداگرد حیاط مسجد امام (شاه سابق) متصل به پایه ایوان غربی شمالی، اصفهان

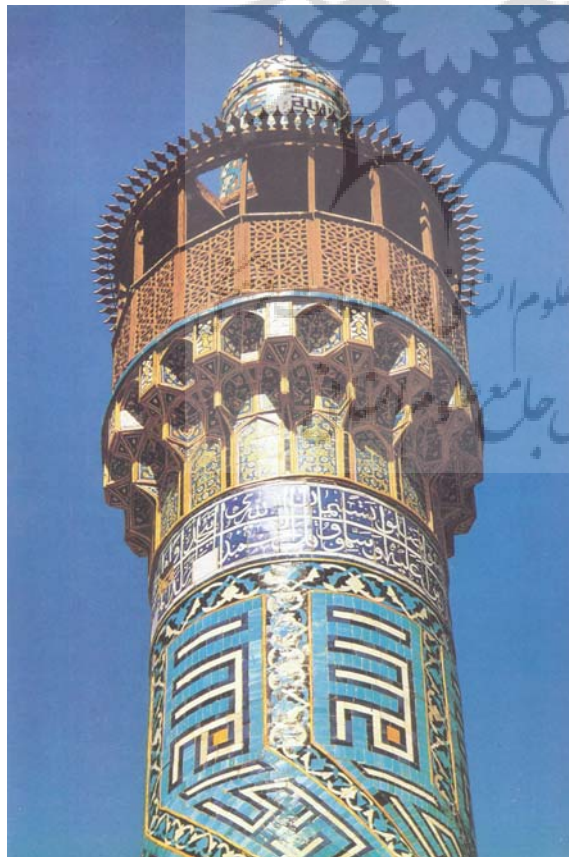
۱- سنگینه نوعی کاشی است که ماده اولیه برای تهیه آن ریگ معدنی میباشد در صورتی که برای کاشی‌های معمولی ماده اولیه خاک رس است.



اکتفا نشده است، بلکه در آنچه گرفته‌اند دخل و تصرفاتی نیز کرده‌اند. در این دوره، کم و بیش از سبک کاشی‌کاری تیموری تقلید شده، ولی به علت تولید بیش‌تر، تکنیک تغییر کرده است. اکثر نویسندگان، کاشی‌کاری دوران صفویه را سرحد کمال و شکوفایی این هنر به شمار می‌آورند و معتقدند آنچه می‌تواند نماینده واقعی هنر کاشی‌کاری ایرانی باشد قبل از اسلام، کاشی‌های دوران هخامنشیان و در دوره اسلام کاشی‌های دوره صفویه است. (هنر فر، ۱۳۵۰). به طور کلی می‌توان گفت: که اگرچه جنس و انتخاب رنگ کاشی به خوبی ساختمان‌های عظیم دوران تیموری نیست ولی روی هم‌رفته ابنیه کاشی‌کاری شده زمان صفویه در هیچ جای دنیا نظیر ندارد. در این مورد پروفیسور پوپ عقیده دارد که کاشی‌کاری‌های دوران صفوی فوق‌العاده زیبا هستند و فقط چندان به درخشندگی کاشی‌های دوره تیموری نیستند. (پوپ، ۱۹۷۱)

### انوع تکنیک‌های کاشی‌کاری از زمان صفویه

به طور کلی می‌توان گفت که در دوره صفوی سه نوع کاشی‌کاری بیش از همه به چشم می‌خورد که عبارتند از: کاشی‌کاری معرق، کاشی‌های هفت رنگ و کاشی‌های خشت. معرق‌کاری با موزائیک‌سازی به طور کلی و گسترده،



بخش فوقانی مناره به طول ۴۲ متر بر فراز سر در ورودی مسجد امام (شاه سابق)، اصفهان

تحولات صنعت کاشی‌کاری این دوره را در آن مطالعه کرد. انواع کاشی‌کاری معقلی و گره‌کاری، امتیاز خاصی به این بنای تاریخی داده است. ظاهراً ساختمان آجری آن در سال ۱۱۱۸ هجری قمری به پایان رسیده و از این سال تا سال ۱۱۲۶ هجری قمری به کاشی‌کاری فوق‌العاده زیبایی آن پرداخته‌اند و این امر، نشان دهنده اهمیت کاشی‌کاری این بنا است؛ چون در حقیقت می‌توان گفت که کاشی‌کاری آن هشت سال طول کشیده است. گنبد عظیم ضلع جنوبی مدرسه چهار باغ با طرح‌های اسلیمی عظیم و به رنگ‌های زرد، سیاه و سفید بر زمینه فیروزه‌ای پوشیده شده است. دور تا دور گنبد را یک قسمت باریک به رنگ لاجوردی پوشانیده که بر روی آن خطاطی شده است. در قسمت زیرین گنبد و مناره‌ها با آجرکاری به رنگ خاکی، سعی شده تا شکوه و درخشندگی رنگ کاشی‌های گنبد و مناره‌ها را هر چه بیش‌تر نمایان کنند. سر در اصلی این مسجد، میان دو جرز بلند که پهنای هر یک چهار متر است، قرار گرفته است. روی این جرزها را در زمان ساختمان بنا با کاشی معرق بر زمینه لاجوردی تزئین کرده بودند، ولی بعدها به فکر تعمیر آن‌ها افتاده‌اند چون معرق‌سازی معمول نبوده، باقیمانده کاشی‌های قدیمی را برداشته، به جای آن‌ها نوعی از کاشی، معروف به «گره»<sup>۲</sup> نصب کرده‌اند و در این قسمت فقط دو پشت بغل کاشی فیروزه‌ای از تزئینات قدیم باقی مانده است. مقرنس‌کاری‌ها و شمشه‌های داخل سردر نیز با بهترین و ظریف‌ترین کاشی‌های معرق و بر زمینه لاجوردی ترتیب داده شده است. الواح و کتیبه‌های ایوان شمالی مدرسه نیز به شیوه ایوان جنوبی با کاشی‌های نفیس هفت رنگ آراسته شده است. در این جایی مناسبت نیست از مقبره «شیخ صفی‌الدین اردبیلی» نیز نذری به میان آوریم. این مقبره از بهترین ابنیه‌ای است که مطابق سبک و روش صفوی ساخته شده است. ساختمان این بنا در اواخر قرن دهم هجری شروع شده و در اواسط قرن یازدهم هجری به پایان رسیده است. در سمت چپ مقبره، طاق بزرگی است که مقرنس‌کاری شده و در شبستان آن نیز پنجره‌های زیادی ساخته شده که بالا و پایین آن‌ها را کاشی معرق زینت می‌دهد.

یکی از خصوصیات کاشی‌های ساخت اردبیل این است که تزئینات آن‌ها را بیش‌تر گل و گیاه تشکیل می‌دهد. به طور کلی در کاشی‌کاری دوران صفوی باید توجه داشت که قسمتی از سنت‌های مغولی نادیده گرفته شده و قسمتی دیگر نیز در مفهوم و قالب جدید ثمر بخش واقع شده است. در این زمینه بی‌مناسبت نیست که مقایسه مختصری میان کاشی‌کاری دوران صفوی و دوران تیموری به عمل آید؛ چون کاشی‌کاری دوران صفویه بیش از همه از کاشی‌کاری دوران تیموری متأثر بوده است، ولی با این همه باید توجه داشت که نکته اصلی در کاشی‌کاری صفویه این است که هر چند در آن از هنر گذشتگان اقتباس شده ولی هیچ‌گاه به رونوشت کردن

۲- تزئینات کارش‌کاری معرق که به صورت اشکال هندسی درآمده باشد، گره نام دارد. این نوع کاشی‌کاری را بر نمای سردر مدرسه چهارباغ می‌توان دید.

در انتظار کاشی‌های معرق بنشینند و هنرمندان آن زمان، برای پیشرفت کارها، کاشی هفت رنگ را ابداع کردند؛ به این معنا که آجرهای پخته لعاب داری تهیه کردند که وقتی پهلوی هم قرار داده می‌شدند، نمایش معرق را داشت و از آن به بعد کاشی هفت رنگ برای تزئین ابنیه در ایران معمول گشت.

به طور کلی، کاشی‌های هفت رنگ دو مزیت بر کاشی معرق داشته‌اند:

اول این‌که هزینه تولید آن‌ها بسیار ارزان‌تر از کاشی‌های معرق بوده و دوم این‌که تولید آن‌ها به زمان کم‌تر و کوتاه‌تری احتیاج داشته است. تنها اشکال کاشی‌های هفت رنگ این بوده که چندان به ظرافت و درخشندگی کاشی‌های معرق نبودند.

بعد از نقاشی طرح‌ها بر روی کاشی‌های هفت رنگ، مجدد آن‌ها را در کوره قرار می‌داده‌اند. صنعتگران دوره صفوی در کاشی‌های هفت رنگ موفق شده‌اند که هفت رنگ یا بیش‌تر را در یک کاشی که مساحتش یک فوت مربع بوده جمع‌آوری کنند و به کار ببرند و بدین ترتیب توانسته‌اند رنگ‌های زیادی را در مساحت کم به کار برند. در این طریقه، نقوش دیگر مانند کاشی‌های معرق منحصر به اشکال هندسی نبود و کاشی‌کاران توانسته‌اند بعضی از مناظر مختلف و اشکال

روشی است که در آن، قطعات کوچک با رنگ‌های گوناگون را طوری در مجاورت هم قرار می‌دهند که یک طرح یا تصویر کلی ایجاد می‌شود که بی شباهت به پرده نقاشی نیست. در این شیوه، قطعات کوچک به شکل و اندازه‌های مختلف بریده می‌شوند و از آن‌ها طرح‌هایی به شکل موزائیک ترکیب می‌شود. این قطعات کوچک که از روی نقشه پهلوی هم قرار می‌گیرند به وسیله گچ که از پشت ریخته می‌شود به هم می‌چسبند و این گچ مایع، سوراخ‌ها و منافذ را طوری پر می‌کند که طرح، یک تکه جلوه می‌نماید. این قطعات کوچک وقتی از فاصله تقریباً زیاد دیده می‌شوند، اثری بر شبیه چشم می‌گذارند و نتیجه‌ای به وجود می‌آورند که می‌تواند امپرسیونیسم (Impressionism) نامیده شود.

ترکیب کاشی‌های معرق از اختراعات ایرانی است که عظمت و شکوه آن در دوره صفوی به اوج خود رسید. خصوصاً هزینه معرق به مراتب کم‌تر از هزینه کاشی‌های مینایی بود و علت این امر نیز واضح است، چون در کاشی‌های مینایی لازم بود پس از کشیدن رنگ و نقش، یک‌بار دیگر آن را در کوره بگذارند و این عمل گذشته از هزینه اضافی که داشت چندان هم مورد اطمینان نبود، چون ممکن بود کاشی‌ها از کوره سالم بیرون نیایند. به هر حال، صنعت کاشی‌کاری معرق در دوران صفوی به منتهای ترقی و کمال خود می‌رسد. و عصر طلایی خود را تشکیل می‌دهد. در این دوره، مراکز مهم معرق‌سازی، شهرهای اصفهان، یزد، هرات، کاشان، سمرقند و تیریز بوده‌اند؛ ولی هنر کاشی‌کاری اصفهان هنر غالب و برتر این دوره به شمار می‌رود.

در این قسمت لازم است مطالب بیش‌تری راجع به طریقه پختن و ساخت کاشی‌های معرق بیان شود.

در ابتدا تعداد زیادی کاشی‌های یکرنگ لعابی که هر یک رنگ مختلفی دارد پخته می‌شوند. سپس طرحی را که باید بر روی کاشی‌ها رسم کرد به نقاش می‌دهند تا بر روی کاغذ ترسیم کند. این کاغذ را شماره بندی کرده، به قطعات لازم تقسیم می‌کنند و بعد روی کاشی می‌چسبانند. سپس کاشی‌ها را تراشیده و آماده قرار گرفتن بر روی طرح یا زمینه اصلی می‌کنند. آن‌گاه قطعات کاشی‌ها را بر روی این محل‌های بریده شده قرار می‌دهند یا به اصطلاح جاکاری می‌کنند و دور طرح اصلی را با یک چهارچوبه می‌گیرند تا کاشی‌ها در جای خود ثابت بمانند و بعد از آن، لایه ضخیمی از گچ را در پشت آن می‌ریزند و چند روز صبر می‌کنند تا به اصطلاح، گچ، خود را بگیرد و محکم شود. بدین ترتیب، یک طرح کاشی‌کاری معرق تهیه می‌شود و سپس آن را در محل مورد نظر نصب می‌کنند.

کاشی‌های دیگری که در دوره صفویه زیاد استعمال می‌شده‌اند کاشی‌های هفت رنگ هستند. اکثر نویسندگان و متخصصین هنر اسلامی معتقدند که شاه عباس به قدری در اتمام کاشی‌کاری عجله داشت که نمی‌توانست



بخشی از یکی از شانزده پنجره شبستان مسجد شیخ لطف الله، اصفهان



انسانی را نیز بر روی این کاشی‌ها رسم کنند.

موضوع جالبی که در مورد فن و شیوه تهیه کاشی‌های هفت رنگ در دوران صفوی وجود دارد این است که در مدرسه مادر شاه اصفهان احتمالاً به واسطه این که باید قسمت اعظمی را کاشی‌کاری می‌کرده‌اند تکنیک جدیدی برای ساختن کاشی‌های هفت رنگ ابداع شد. در تکنیک به جای آن که مطابق معمول کاشی‌های هفت رنگ را دوبار در کوره قرار دهند آن‌ها را فقط یک بار در کوره می‌گذاشتند و بدین ترتیب کاشی‌های لازم برای کاشی‌کاری سریع‌تر آماده می‌گردید.

در مورد طریقه پخت و جنس کاشی‌های هفت رنگ باید گفت که ترکیبات اصلی این کاشی‌ها، از نود و پنج درصد گل رس خالص و حدود پنج تا ده درصد شن به وجود آمده است. اندازه این کاشی‌ها معمولاً بیست سانتی

متر است و مربع شکل هستند.

ابتدا گل و خمیره این کاشی‌ها را در چارچوب‌های مربع شکل قرار می‌دهند و در آفتاب خشک می‌کنند. سپس به وسیله یک تکه پارچه، آن‌ها را مرطوب کرده، با یک قطعه سنگ مسطح، سطح آن‌ها را کاملاً صاف می‌کنند و بعد مجدد آن‌ها را در آفتاب خشک می‌کنند. در این مرحله، کاشی‌ها آماده لعاب دادن هستند.

پس از لعاب دادن، آن‌ها را به صورتی در کوره می‌گذارند که کاشی‌ها با یکدیگر تماس نداشته باشند سپس آن‌ها را شش ساعت حرارت می‌دهند و بعد ۴۸ ساعت صبر می‌کنند تا کاملاً خنک شوند. پس از دومین مرتبه حرارت دادن کاشی‌ها در کوره، کاشی‌های هفت رنگ برای استفاده آماده هستند.

## نتیجه

به رغم این که هنر کاشی‌کاری، هنر ابداعی صفویه به شمار نمی‌رود، اما ضمن اقتباس از هنر پیشینیان صرفاً به تقلید اکتفا نشده است. به علت توجه خاص سلاطین صفوی به هنر و صنعت، تحول اساسی در هنر کاشی‌کاری به وجود آمد و باعث ایجاد تمایز سبک این دوره با دوره‌های قبل گردید. هنر کاشی‌کاری اصفهان در این دوره، هنر غالب و برتر به شمار می‌رود.

در زمان صفویه می‌توان سه دوره مجزا از نظر هنر کاشی‌کاری و تجلی آن در معماری صفویه را مشاهده کرد. در دوران شاه عباس کبیر، کاشی‌کاری وارد مرحله‌ای جدید از نظر شکوه و زیبایی می‌شد. تکنیک کاشی‌های هفت رنگ در کنار کاشی‌های معرق در این زمان ابداع گردید. از ویژگی‌های این شیوه، تهیه سریع‌تر و آسان‌تر کاشی بود که باعث استفاده گسترده آن گردید.

## منابع و مآخذ

بهنام، عیسی، هنر، موزائیک سازی یا معرق‌کاری در ایران باستان، هنر و مردم، شماره ۱۳، آبان ۱۳۴۲. پوپ، آرتور آپهام، صنایع ایران در گذشته و آینده، ترجمه عیسی صدیق، تهران، مجموعه انتشارات انجمن آثار ملی، بهمن ۱۳۵۱.

دیماند، م، س، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران، ۱۳۶۵.

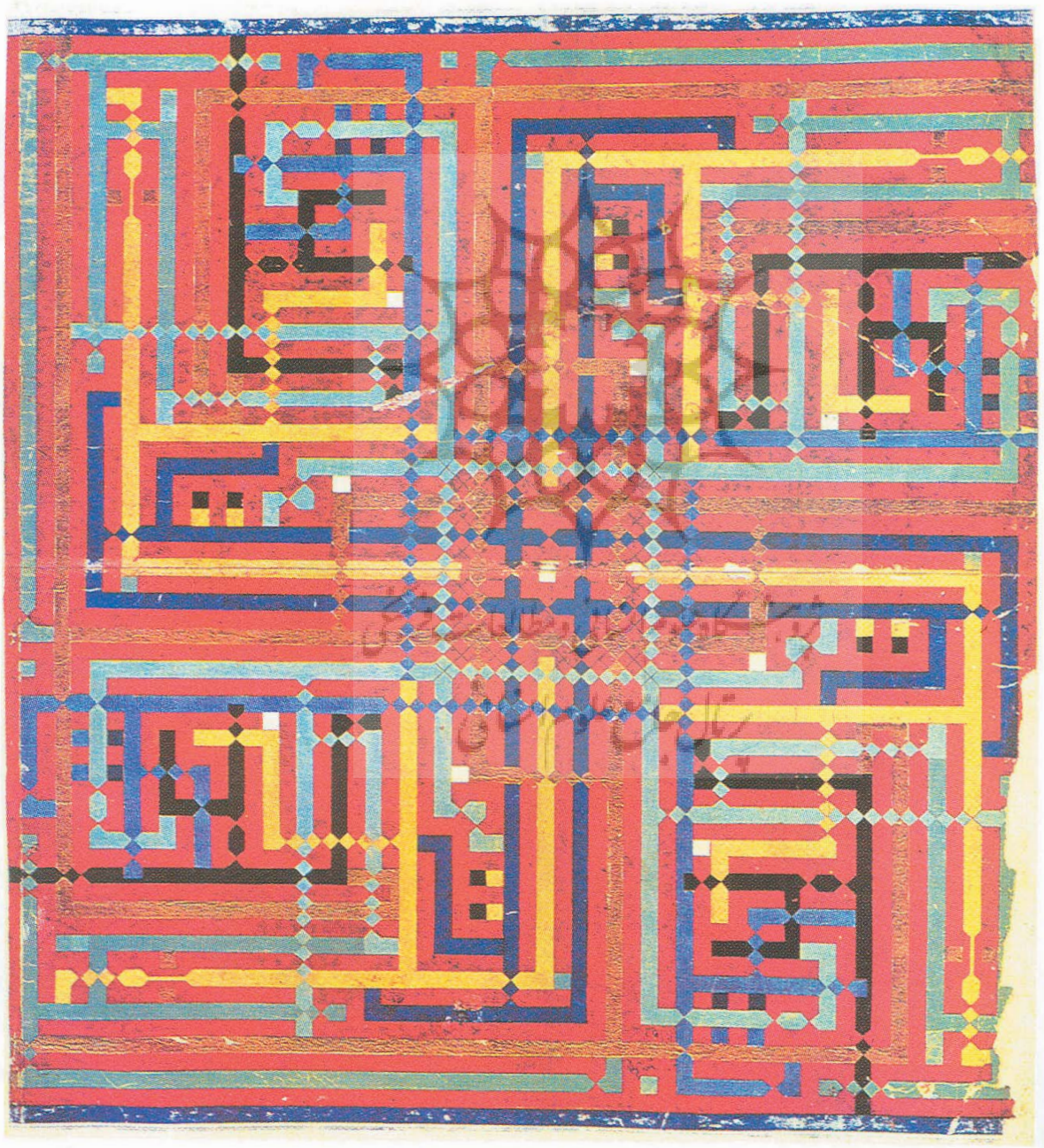
زکی، محمد حسن، صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران، اقبال، ۱۳۲۰.

ضیاء پور، جلیل، آشنایی بارنگ آمیزی در آثار هنری ایرانیان از کهن ترین زمان تا دوران صفویه، تهران، فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳.

نفیسی، نوشین، آثار جالب توجهی از هنر کاشی‌سازی ایران در دوره‌ایلیخانیان، هنر و مردم، شماره ۴۲، فروردین ۱۳۴۵.

هنر فر، لطف اله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۵۰.

U.POPe, A Survey of persian Art. x, oxford university press. 1971.



علی(ع)، کتیبه کوفی بنایی، نقاشی تک ورق، سده پانزدهم م.، سلسله قراقویونلو، استانبول، موزه توپقاپی